

زیبایی شناسی و جامعه شناسی هنر

(چاپ دوم)

جنف ولف

مترجم: بابک محقق



۱۳۹۴

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۹
مقدمه‌ای بر ویراست دوم: زیبایی‌شناسی در دوران پسامدرن.....	۱۱
فصل ۱: نقد جامعه‌شناختی زیبایی‌شناسی.....	۱۷
فصل ۲: جامعه‌شناسی در مقابل زیبایی‌شناسی.....	۳۷
فصل ۳: ارزش سیاسی و زیبایی‌شناختی.....	۶۳
فصل ۴: ماهیت امر زیبا.....	۸۷
فصل ۵: خاص بودن هنر.....	۱۰۹
فصل ۶: به سوی نوعی زیبایی‌شناسی جامعه‌شناختی.....	۱۳۳
کتاب‌شناسی.....	۱۴۷
واژه‌نامه فارسی - انگلیسی.....	۱۶۱
واژه‌نامه انگلیسی - فارسی.....	۱۶۵
نمایه.....	۱۶۹

فصل ۱

نقد جامعه‌شناختی زیبایی‌شناسی

این کتاب به موضوع ارزش زیبایی‌شناختی پرداخته و نگاه ویژه‌ای به پیامدهای تحولات جامعه‌شناسی هنر برای زیبایی‌شناسی خواهد داشت. جامعه‌شناسی هنر حوزه‌ای است که چه‌بسا در ظاهر امر این‌گونه به نظر برسد که فلسفه هنر را ذیل خود قرار داده یا به کلی آن را ویران کرده است. در همین ابتدای امر ضروری است این نکته را روشن کنم که منظور من از "هنر" یا "هنرها" نقاشی، رمان، موسیقی، فیلم و کلیه محصولات فرهنگی است. در این فصل درباره برخی از این تحولات سخن گفته و مطالبی را درباره نقد اجتماعی برخی از جنبه‌های نظریه‌های زیبایی‌شناسی سستی مطرح خواهم کرد — به بیان دیگر، نظریه‌های مربوط به ماهیت هنر. همچنین این بحث را پیش خواهم کشید که جامعه‌شناسی هنر و تاریخ اجتماعی هنر به نحو متقاعدکننده‌ای بیانگر ماهیت تاریخی، ایدئولوژیکی و حادثی (عَرَضی) بخش اعظم "زیبایی‌شناسی" و بسیاری از، اگر نه همه، "قضاوت‌های زیبایی‌شناختی" است. اینها همچنین مقوله‌های بلامنازع نقد و زیبایی‌شناسی را با مسائل

زیبایی‌شناختی یا تجربه زیبایی‌شناختی تأکید کرده‌اند و برخی دیگر نیز با عبور از کنار این‌گونه مسائل بسیار بغرنج تعریف هنر، مسئله معیار قضاوت زیبایی‌شناختی را به‌محک آزمون نهاده‌اند. (ولهایم، ۱۹۸۰، علاوه‌بر بررسی درخشان گرایشهای اساسی در نظریه زیبایی‌شناختی به‌نقد ضعفهای دامنگیر آنها نیز پرداخته است؛ برای مطالعه تحقیقات معاصر در زمینه زیبایی‌شناسی، با همین تنوع رویکرد به موضوع، نک: هاسپرس، ۱۹۶۹ و آزیرون، ۱۹۷۲. پودرو، ۱۹۷۲، به‌بحث درباره شماری از مهم‌ترین فیلسوفان هنر قرون هجدهم و نوزدهم، از قبیل کانت و شیلر، می‌پردازد.) یکی از مسائلی که در فصل ۴ طرح خواهیم کرد، مسئله‌ای است که اکنون برخی زیبایی‌شناسان بر آن صحه گذاشته‌اند: ممکن نیست که بتوان "زیبایی‌شناسی محض" را از فهم جامعه‌شناختی هنر تفکیک کرد؛ پرسش "هنر چیست؟" مسلماً پرسشی است در این باب که جامعه، یا برخی از اعضای شاخص آن، چه چیز را هنر می‌داند. در این‌جا صرفاً به خاص بودن تاریخی ظهور زیبایی‌شناسی، که بی‌گمان می‌توان آن را در پیوند با دیگر تحولات اجتماعی و تاریخی زمانه قرار داد، اشاره می‌کنم (مثلاً، نک: فولر، ۱۹۸۰a، صص ۹۰-۱۸۷). البته شکی نیست که می‌توان به عقب‌تر رفت و از "نظریه زیبایی‌شناختی" افلاطون و لونگینوس هم سر درآورد. تأکید می‌کنم که تازه در قرن هجدهم بود که زیبایی‌شناسی در قالب حوزه‌ای متمایز شکل گرفت و همه تأکید خود را بر هنر، آثار هنری و ادراک آنها گذاشت؛ مثلاً در فلسفه مسائلی از این‌دست از مسائل مربوط به اخلاق و سیاست منفک شدند.

شکل‌گیری زیبایی‌شناسی در قالب حوزه‌ای جدید منوط به شکل‌گیری پیشین و هم‌زمان خود هنر به‌عنوان گفتمان و کنش خودبسا بود. تاکنون، بسیاری از مورخان اجتماعی هنر و ادبیات نشان داده‌اند که چگونه هنر، ادبیات و مفهوم جدید هنرمند/ مؤلف در جامعه سرمایه‌داری غرب تکوین یافته است. هائوزر (۱۹۶۸) منشأ کلمه «*the artist*» (هنرمند) (نابغه خلاق و یگانه آفریننده یا خالق اثر، در تضاد با صنعتگر یا کارگر جمعی) و جدایی

و چالشهای بسیاری مواجه کرده و ما را وادار ساخته‌اند که بر ناممکن بودن تضاد و تقابل میان "هنر بزرگ" با فرهنگ عامه یا فرهنگ توده به‌هر شیوه ساده‌انگارانه‌ای صحه بگذاریم. (در فصل ۴ با تفصیل بیشتر بار دیگر به مسئله ماهیت اساساً اجتماعی هرگونه زیبایی‌شناختی یا قضاوت زیبایی‌شناختی خواهیم پرداخت.) سپس خواهیم گفت که جامعه‌شناسی هنر از جهاتی چنان گام از چارچوبهای خود بیرون گذاشته که توفیقی در توصیف یا توجیه امر "زیبا" به‌دست نیاورده است. در واقع، مضمون اصلی این کتاب تقلیل‌ناپذیری "ارزش زیبایی‌شناختی" به مختصات اجتماعی، سیاسی یا ایدئولوژیک است. این امر برای جامعه‌شناسان هنر و زیبایی‌شناسان مارکسیست بیش از پیش به مشکلی نگران‌کننده تبدیل شده است. این گروه درحالی که به‌حق مخالف تجدیدحیات هرگونه مفهوم ذات‌باورانه از "امر زیبا" هستند، گامهای اولیه را در راه نیاز به پذیرش خاص بودن مقوله هنر برداشته‌اند. (برخی از تأملات و پیشنهادهای آزمایشی آنها را بعدتر در این کتاب، به‌ویژه در فصلهای ۳ و ۵، از نظر خواهیم گذرانند.) این فصل با به‌دست دادن طرحی کلی از استدلالها و ساختار باقی کتاب به‌پایان می‌رسد.

زیبایی‌شناسی سنتی در قرن هجدهم و به‌ویژه در آثار فیلسوفان و نویسندگان آلمانی (باثومگارتن، کانت و شیلر) پا گرفت. از آن زمان تاکنون زیبایی‌شناسی، نه به‌منزله وجهی از تاریخ هنر یا نقد هنر، بلکه به‌صورت شعبه‌ای از فلسفه شناخته و به‌کار بسته شده است. برخی آن را هستی‌شناسی و برخی دیگر شناخت‌شناسی یا فلسفه تحلیلی دانسته‌اند، هرچند فعلاً نیازی نیست که ذهن خود را مشغول این تمایزات کنیم. زیبایی‌شناسی موضوعاتی همچون ماهیت هنر و تجربه زیبایی‌شناختی و همچنین مسئله قضاوت زیبایی‌شناختی را در کانون توجه خود قرار داده است. بعضی از نویسندگان بر ویژگیهای منحصربه‌فرد یا ضروری آثار هنری انگشت گذاشته‌اند؛ دیگران کم‌وبیش بر ماهیت خاص نگرش